# فهرست

چکیده 5

فصل اول: کلیات

۱. مقدمه 7

۲. پروبلماتیک تاریخ و نظریات تاریخی ایران 9

3. کاتوزیان و مفاهیم تاریخی ـ اجتماعی 13

فصل دوم: مباحث نظری

1. مقدمه 22

2. مباحث نظری 22

3. نتیجه‌گیری 35

فصل سوم: پیشینهٔ تحقیق

1. مقدمه 36

2. معرفی و ارزیابی منابع 37

3. تحلیل عام نقدها 72

۴. نتیجه‌گیری 76

فصل چهارم: نقد دیدگاه استبداد ایرانی

۱. مقدمه 78

۲. دیدگاه کاتوزیان در مورد استبداد ایرانی 79

3. نقد 98

4. نتیجه‌گیری 156

فصل پنجم: ارزیابی انتقادی دیدگاه «تضاد دولت و ملت» در تاریخ ایران

1. مقدمه 161

2. آرا و دیدگاه کاتوزیان در مورد تضاد دولت و ملت (اصول کلی) 163

3. نقد آرا و نظرها 173

4. نتیجه‌‌گیری 192

فصل ششم: ارزیابی انتقادی دیدگاه «جامعۀ کوتاه‌مدت»

1. مقدمه 195

2. دیدگاه کاتوزیان در مورد جامعۀ کوتاه‌مدت/جامعۀ کلنگی 197

3. نقد 200

4. نتیجه‌گیری 205

فصل هفتم: نقد نگاه شرق‌شناسانه

1. مقدمه 210

2. نقد 212

3. نتیجه‌گیری 219

نتیجه‌گیری نهایی 221

فهرست منابع 227

### چکیده

## این پژوهش در وهلهٔ اول با هدف بررسی «تاریخ سیاسی ایران» طراحی و تنظیم شده است که برای رسیدن به این مقصود به آرای مهم در این حوزه می‌‌پردازد. یکی از نظریه‌‌های شایع معطوف به «سیاست، جامعه و حکومت» و به طور کلی «قدرت سیاسی در ایران» «نظریۀ استبداد» است. دربارۀ چرایی و چگونگی پیدایش و صورت‌بندی و تداوم «استبداد» در ایران بسیاری از اندیشمندان ایرانی و غیرایرانی به اظهار نظر و حتی نظریه‌پردازی پرداخته‌اند. محمدعلی (همایون) کاتوزیان از جمله پژوهشگران ایرانی است که دیدگاه «استبداد» را در مورد تاریخ ایران مطرح کرده است. او برای تکمیل دیدگاه خود، موضوعات تضاد دولت و جامعه، جامعۀ کوتاه‌مدت یا کلنگی را در قالب و چهارچوبی مطرح کرده که می‌توان آن را مفهوم ـ نظریه نامید. در دیدگاه استبداد از نظر کاتوزیان، جامعه و دولت ایرانی در طول تاریخ خود چرخۀ «استبداد، آشوب، هرج‌ومرج و استبداد» را داشته است. در این دیدگاه، جامعهٔ ایرانی همیشه و در طول تاریخ خود یا استبدادی بوده است یا هرج‌ومرج. در این جامعه، مظاهر استبداد و استبداد‌زدگی، که در آن حاکم به صورت «خودکامه» و «دلبخواهی» رفتار می‌‌کرده، به‌وفور و کرات یافت می‌شود.

## از نظر کاتوزیان، نظام استبدادی باعث شده که همیشه بین مردم و دولت رابطهٔ «تضاد» باشد و از آنجا که عمر حکومت‌ها نیز محدود است، جامعهٔ ایران به تبعِ آن «کوتاه‌مدت و کلنگی» محسوب می‌‌شود. در این پژوهش با بهره‌گیری از مباحث نظری چون نقد، ساختمندی گیدنز، نهادگرایی و جامعه‌شناسی تاریخی و هویت ایرانی تلاش می‌شود تا ضمن بررسی و تحلیل آرای کاتوزیان نقدهایی که از لحاظ شکلی و روشی و محتوایی به آن وارد است ارائه شود. هر چند دیدگاه کانونی کاتوزیان «استبداد» است و دیدگاه‌های «تضاد» و «جامعهٔ کلنگی» از آن ناشی می‌شود، تلاش شده ‌است هر کدام از آن‌ها هم به نحو مفصل بررسی و ارزیابی شود. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که دیدگاه و آرای نظری کاتوزیان، در عین داشتن اهمیت، نقدپذیرند و این تحقیق به‌نوعی درآمدی بر نقد آرای کاتوزیان به حساب می‌آید.

## **واژگان کلیدی:** محمدعلی (همایون) کاتوزیان، استبداد ایرانی، تاریخ سیاسی ایران، تضاد دولت و ملت، جامعهٔ کوتاه‌مدت/ جامعۀ کلنگی، شرق‌شناسی.

#### فصل اول

# کلیات

### ۱. مقدمه

## شناخت ماهیت «قدرت سیاسی»[[1]](#footnote-2) از جمله موضوعاتی است که برای اهل سیاست، هم در بعد نظری و هم در بعد عملی، اهمیت زیادی دارد. دستیابی به دیدگاه همه‌جانبه به قدرت سیاسی در هر جامعه‌ای ــ مبتنی برمطالعات و بررسی‌های وضع موجود یا گذشتهٔ تاریخی ــ آسان نیست و این به خاطر تغییر و تبلور متنوع جلوه‌های قدرت در هر زمان و در هر مکان متأثر از روحیۀ سیال انسان‌ها و شرایط و مقتضیات محیطی داخلی و بیرونی متفاوت یک سرزمین است.

## در فضای فکری و عملی ایران، نوع نگاه به قدرت سیاسی، از لحاظ اینکه آیا خودمحور، خودکامه و یا به‌اصطلاح استبدادی است یا خیر، نظرهایی مطرح شده است که ذیل آن سؤالاتی از این قبیل قابل‌ذکر است: اگر قدرت سیاسی در ایران استبدادی است، بیشتر در چه مواقعی استبدادی است ؟ قدرت استبدادی به چه عواملی بستگی دارد؟ نقش عوامل حکومتی و داخل سازمان حکومت در افزایش یا کاهش استبداد چقدر است؟ نقش عوامل بیرون از سازمان حکومت مثل مردم و قدرت‌های خارجی در افزایش یا کاهش استبداد چقدر است؟ شخصیت حاکم و نظام حاکمه و مردم چه نسبتی با نظام خودکامگی و خودمحوری قدرت دارد؟ نظام ساختاری، فرهنگی و اجتماعی جامعه چه تأثیری در افزایش یا کاهش خودکامگی دارد؟ ارتباط نظام استبدادی با نوع جامعه چگونه است؟ تأثیر نظام استبدادی بر رابطهٔ مردم و جامعه با آن چیست؟ نتایج بررسی این‌گونه سؤالات می‌تواند در شناخت قدرت سیاسی و شناسایی اشکالات و مشکلات این حوزه برای استفاده در عرصهٔ عمومیِ امروز تأثیرگذار باشد؛ به ‌عبارت دیگر بررسی قدرت سیاسی با هدف شناخت آن هدفی مهم است. این بررسی اگر با هدف آسیب‌شناسی باشد، ارزش آن بیشتر می‌شود.

## قدرت سیاسی به عنوان مؤلفۀ مهم فرهنگی و سیاسی در حوزۀ روابط عمومی و اجتماعی حضور همیشگی و پُررنگی در هر جامعه‌ای دارد. این موضوع در هر جامعه‌ای، با توجه به تاریخ آن، نمودها و تبلورهای متفاوتی دارد که ممکن است این نمودها در راستای منافع عمومی و خیر جمعی باشد یا نباشد. «نمود»[[2]](#footnote-3) قدرت از لحاظ اجتماعی در ارتباط با حکومت و جامعه متأثر از تاریخ آن جامعه است که در آن عوامل زیادی دخیل‌اند . هر «نمودی» می‌تواند در آینده نیز مجدداً تکرار شود. این «نمود» می‌تواند مثبت یا منفی باشد. نگاه مثبت یا منفی به اتفاق تاریخیِ روی‌داده یا ثبت‌شده ناشی از نوع نگاه به آن متفاوت است؛ طبعاً به خاطر تغییر در زمان نوع نگاه هم می‌تواند تغییر کند و این البته منطق «تحول»[[3]](#footnote-4) در گذر زمان است. این تحول می‌تواند «تکاملی»[[4]](#footnote-5) یا صرفاً «تغییرگونه»[[5]](#footnote-6) تعبیر شود. اگر نوع نگاه به قدرت سیاسی از جامعیت و منطق درست تبیینی و علمی برخوردار باشد، تأثیرات و تبعات مثبت آن در حوزه‌های فردی و اجتماعی زیاد است.، چرا که باید در نظر داشت که در بررسی‌ای تاریخی باید از علم و دانش بهرۀ کافی برد. نمود این علم در «روش» و «محتوا» است. روش بهره‌گیری از «مفهوم»[[6]](#footnote-7) و«نظریه»[[7]](#footnote-8)ی مناسب است و محتوا کفایت داده‌ها[[8]](#footnote-9) و اطلاعات[[9]](#footnote-10) عقلی، نقلی، تجربی، تاریخی و غیره است.

### ۲. پروبلماتیک تاریخ و نظریات تاریخی ایران

## در بررسی قدرت سیاسی در ایران، حوزهٔ متفاوتی وجود دارد که بر ابهام آن می‌افزاید. این حوزه تاریخ گسترده و طولانی ایران از یک طرف و برداشت‌های متفاوت از آن از طرف دیگر است. تاریخ ایران مملو از تحولات و اتفاقات ریزو‌درشتی در حوزه‌های فردی و اجتماعی است که تاریخ با قدمت سه‌هزار سال را رقم می‌زند. تاریخی که به عبارتی صرفاً مختص ایران است و در دوره‌هایی داعیه‌دار تمدن و در دوره‌هایی متأثر از تمدن‌های دیگر بوده است. این تاریخ را افرادی چون هگل، فیلسوف معروف آلمانی، در جایی تمجید کرده‌اند و آن را شروع تاریخ دانسته‌اند و در جای دیگر در مقایسه با تاریخ غرب خصوصاً یونان و غرب مدرن به عنوان دوران کودکی تاریخ از آن یاد کرده‌اند.

## در بررسی قدرت سیاسی در هر جامعه‌ای باید به نقاط کانونی و محوری آن پرداخته شود. از جمله نقاط کانونی و محوری کلان حوزهٔ قدرت سیاسی «حکومت یا دولت» و «مردم و جامعه» هستند. این‌ها ابتدایی‌ترین و کلی‌ترین قلمروهای بررسی تاریخ در حوزۀ قدرت سیاسی‌اند که در تاریخ‌نگاری‌های سنتی ایران (ایران باستان و ایران اسلامی) از قبیل «خدای‌نامه‌ها»، «شاهنامه‌ها» و بررسی سلسله‌های حکومتی به آن‌ها پرداخته شده است.([[10]](#endnote-2))

## یکی از مباحث مهم در مورد «جامعه و دولت» پرداختن به موضوع و موضع مناسب در تعاملات و ارتباطات آن‌هاست. «قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی» نقطهٔ واسط میان این دو حوزۀ (دولت و جامعه) است که تبلورهای آن در هر جامعه‌ای می‌تواند متفاوت باشد. به‌دست‌‌گیری قدرت، حفظ و افزایش آن همیشه مسئلۀ حکومت‌ها و حاکمان بوده است. از طرف دیگر، مردم و جامعه هم همیشه به دنبال حفظ و بقای خود بوده‌اند و این رفتارها گاه در«تعامل»[[11]](#footnote-11) ،گاه در «نزاع»[[12]](#footnote-12) و گاه در«انفعال»[[13]](#footnote-13) بوده است.

## در بررسی ارتباط و تعامل و رابطهٔ میان این دو حوزه، داشتن «مفهوم» مناسب از یک‌طرف و همچنین «نظریه»‌ی مناسب از طرف دیگر اهمیت زیادی دارد. مفاهیم مهم‌ترین مدخل بررسی موضوع در حوزۀ هر پژوهش و بررسی مطالعاتی به شمار می‌آیند. مفاهیمی مثل مشروعیت[[14]](#footnote-14)، قدرت سیاسی، حاکم، رعیت/ مردم، عدل، ظلم، کارگزاران (امیر، والی، خان، دیوان‌سالار، وزیر، کاتب) دین و مذهب، نهادها و ساختار حکومت، نظامیان، حامیان دولت (قبیله، سلسله، دودمان، ایل یا ایلات)، دستگاه هیئت حاکمه، حاکمیت در بررسی تاریخ به کار گرفته می‌شوند که یک جور حرکت از مفهوم به سمت یک معنا و استنباط تا حدی عام([[15]](#endnote-3)) با بررسی مصداق یا مصادیق است. این حرکت می‌تواند حرکت از موضوع[[16]](#footnote-15) هم تعبیر شود که حرکت از جزء به سمت معنای عام و کلی با بررسی مصداق و مصداق‌ها به صورت «درزمانی»[[17]](#footnote-16) و «هم‌زمانی»[[18]](#footnote-17) است.([[19]](#endnote-4))

## نظریه‌های معطوف به بررسی قدرت سیاسی در تاریخ ایران عموماً متأثر از دیدگاه مربوط به «عصبیت» عبدالرحمن ابن خلدون یا «شیوهٔ تولید آسیایی» یا«استبداد شرقی» کارل آگوست ویتفوگل[[20]](#footnote-18) بوده‌اند؛ مثل نظریه‌های استبداد شرقی، حکومت خودکامه، سلطنت فئودالی، شبه‌مدرنیسم، دولت وابسته، دولت سلطه‏پذیر، دولت مطلقه، سلطانیسم و دولت تحصیلدار (رانتی)، دولت پدرسالاری یا پدرتباری (پاتریمونیالیسم)، دولت دودمانی و استبداد.

## در این میان باید اشاره کرد که قالب و چهارچوبی بین مفهوم و نظریۀ (مفهوم ـ نظریه) وجود دارد که به‌نوعی تبیین‌کنندۀ بخشی از رفتارها، ساختار و عملکردهاست. مثلاً ایدۀ «نظام عشیره‌ای و ایلیاتی و قبیله‌ای» که در آن فرهنگ و رفتار متأثر از نظام قبیله، عشیره و ایل تلقی می‌شود. یا دیدگاه فرهنگی و اجتماعی دربارۀ جامعۀ ایرانی که بر ویژگی‌های منفی ایرانی‌ها چون دروغ و دورویی و دزدی، بی‌اعتمادی و ناتوانی در کار گروهی و جمعی، بی‌ثباتی و عدم‌تعادل در رفتارهای جمعی یا حتی ویژگی‌های مثبتی چون مهمان‌نوازی تأکید دارد.

## مسئلهٔ مهم در ارتباط با قدرت سیاسی این است که در ایران امروز به نظر می‌رسد به قدرت سیاسی و تاریخ ایران نگاه جامع و مناسبِ علمی وجود ندارد. قدرت سیاسی را خشن یا دل‌رحم، یک‌طرفه یا همه‌سونگر، پُرتوان یا کم‌توان و غیره تعبیر کردن تعبیرها و تلقی‌های کلی و ناکافی این حوزه است که در سطح ادبیات عامیانه و ادبیات دانشی و حتی علم دانشگاهی جامعهٔ ایرانی نمود یافته است؛ این تعابیر کلی و نارسا نشانگر مبهم بودن این حوزه است و لازم است در مورد آن‌ها بررسی و مداقهٔ لازم صورت پذیرد. چرا که قدرت سیاسی از جمله حوزه‌هایی است که هر کسی از ظن و منظر خود به آن می‌نگرد. این نگاه یا براساس «فکت»ها و داده‌های محدود یا براساس دغدغه‌ها، نیازها و مسائل شخصی و جزئی است. هر دوی این زوایا، هم در سطح افراد جامعه و هم در سطح اصحاب دانش و علم، وجود دارد که طبعاً جای تأمل و واکاوی و ارزیابی دقیق دارد.

## یکی از نظریه‌های شایع معطوف به «سیاست، جامعه و حکومت در ایران» «نظریۀ استبداد» است. دربارۀ چرایی و چگونگی پیدایش و تداوم استبداد در سرزمین‌ ایران بسیاری از اندیشمندان اظهارنظر و حتی نظریه‌پردازی کرده‌اند. در این بین، نظریۀ «شیوهٔ تولید آسیایی» مارکس و انگلس که بهره‌مند از اندیشه‌ و آرای متفکرانی همچون مونتسکیو، هابز و هگل بوده و همچنین نظریۀ «پاتریمونیالیسم» ماکس وِبِر و نیز «استبداد شرقی» کارل آگوست ویتفوگل از شهرت بیشتری برخوردارند، چرا که بر تدوین نظریه‌های بعدی تأثیر چشم‌گیری داشته‌اند. افراد دیگری از صاحب‌نظران غربی از جمله کی.ان. اس لمبتون، فرد هالیدی، جک گلدستون، نیکی آر. کدی و استفانی کرونین و برخی دیگر «مسئلهٔ استبداد در ایران» را در آثار خود مطرح کرده‌اند. در میان متفکران و پژوهشگران ایرانی که به موضوع تاریخ، جامعه و سیاست ایران علاقه‌مند بوده‌اند و مطالعاتی روشمند و مستمر انجام داده‌اند و مسئلهٔ استبداد را بررسی کرده‌اند می‌توان از احمد اشرف، محمدعلی (همایون) کاتوزیان، یرواند آبراهامیان، احمد سیف، محمود سریع‌القلم، صادق زیباکلام و شماری دیگر از پژوهشگران نام برد. این افراد به تدوین تاریخ سیاسی و اقتصادی ایران با مفهوم‌پردازی و به‌کارگیری نظریه‌ای خاص پرداخته‌اند و آثار متنوعی نیز در این زمینه تولید کرده‌‌اند.

## دربارهٔ نوع نگاه به قدرت سیاسی در ایران، با عطف توجه به دیدگاه استبداد، سؤالاتی قابل‌طرح است که برخی از آن‌ها شامل موارد ذیل است:

## 1. قدرت سیاسی در ایران از چه نوع است و به چه نحو نمود داشته است؟

## 2. خود‌کامگی یا استبداد قدرت سیاسی در ایران به چه عواملی بستگی داشته است؟

## 3. شخصیت حاکم چه نسبتی با نظام خودکامگی و خودمحوری قدرت داشته است؟

## ۴. رابطهٔ مردم و جامعه با نظام سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و حقوقی چگونه بوده است؟

## ۵. نظام ساختاری، فرهنگی و اجتماعی چه تأثیری در افزایش استبداد داشته است؟

## ۶. مفاهیم و دیدگاه‌های مناسب تحلیل‌کنندهٔ روابط مردم بانظام سیاسی در تاریخ ایران چیست؟

## نتایج حاصل از بررسی این سؤالات و مباحث می‌تواند در شناختِ قدرتِ سیاسی و به‌طبع اصلاح و رفع اشکالات این حوزه برای استفاده در عرصهٔ عمومی و دوره‌های بعد تأثیر‌گذار باشد.

### 3. کاتوزیان و مفاهیم تاریخی \_ اجتماعی

## محمد علی (همایون) کاتوزیان([[21]](#endnote-5)) از مفاهیم خاصی در توضیح دیدگاه خود استفاده می‌‌کند. از جمله این مفاهیم جامعهٔ کوتاه‌مدت یا جامعۀ کلنگی، تضاد دولت و ملت، حکومتِ خودکامه، آرمان‌گرایی رمانتیک، نبودن منافع عمومی، شخصی‌گرایی، دولت و جامعهٔ استبدادی، منطق غارت در روابط اجتماعی، پیشا‌سیاست، فقدان مالکیت مستمر، ناامنی مالی و جانی، فقدان طبقات، بی‌قانونی، مشروعیت عملی مبتنی بر زور در حکومت، دولت بی‌حامی یا فاقد طبقهٔ اجتماعی، دخالت حداکثری دولت در همهٔ شئون زندگی فردی و اجتماعی، بی‌اعتمادی مردم به حکومت است. کاتوزیان این مفاهیم و اصطلاحات را با ارائه و به‌کارگیری از دیدگاه «استبداد ایرانی» مطرح می‌کند.

## دیدگاه کاتوزیان دیدگاهی عام و برآیندی کلی از تاریخ و قدرت سیاسی در ایران است. این در حالی است که عموم مورخان به دنبال «نظریۀ عام» در تاریخ نیستند و اتفاقات و وقایع تاریخی را منحصربه‌فرد می‌دانند. معمولاً افرادی از حوزه‌های دیگر علوم مثل جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، فلسفه به ارائهٔ نظریه‌های عام با رجوع به تاریخ براساس رشته‌های خود پرداخته‌‌اند.

## «نظریۀ عام» می‌تواند در شناخت بهتر حال و آیندهٔ جامعه‌‌ مفید باشد، اما نکتۀ علمی مهم در این زمینه این است که هر نظریه و دیدگاهی مطلق و همیشگی نیست و قاعدتاً تابع تحولات و تغییرات تصحیح و تکمیل می‌شود. بنابراین، باید گفت بر دیدگاه «استبداد ایرانی» و برخی «مفهوم ـ نظریه»‌هایی چون «تضاد دولت ـ ملت» و «جامعهٔ کوتاه‌مدت» یا «کلنگی»، که در دیدگاه کانونی همایون کاتوزیان قرار دارد، انتقاداتی وارد است که جای تأمل و بازنگری در دیدگاه ایشان را باز می‌‌کند.

## دیدگاه‌ها و آرای انتقادی ارائه‌شده در مورد «نظریۀ استبداد ایرانیِ» همایون کاتوزیان از زوایای جامعه‌شناسی تاریخی، جامعه‌شناسی سیاسی یا جامعه‌شناسی فرهنگی ـ تاریخی، گفتمانِ قدرت یا هر رویکرد دیگری قابل‌تقسیم و دسته‌بندی هستند که در آن به بحث تأثیر و جایگاه ساختارها، نهادهای جدید، دولت مدرن، خانواده و نظام‌های هویتیِ گروهی و اجتماعی مثل ایل و طایفه و قبیله، شخصیت حاکمان و تحولات و تحرکات حوزۀ عمومی، میراث علمی و ادبی، سنن و آیین‌های دینی و عرفی، نظام حقوقی، گروه‌های مرجع، گروه‌‌های حاکم بر طبقات بالادست در کل میراث ایرانی پرداخته می‌شود و آن‌ها به واسطۀ این محورها و موضوعات نظریه و دیدگاه همایون کاتوزیان را نقد کرده‌اند.

## برخی از مفاهیم و دیدگاه‌‌های معطوف به دستگاه نظری کاتوزیان در میان جامعهٔ ایرانی به طور عام و اجتماعات و گروه‌های علمی، روشنفکری و سیاسی به طور خاص طرف‌دارانی پیدا کرده است. این طرف‌داری در عرصۀ عمومی و محیط‌های علمی ناشی از قابلیت و قوت و قدرت مفاهیم و نظریۀ استبداد است. اینکه این نظریه و این مفاهیم و تاریخ ترسیم‌شده و به خدمت گرفته‌شده از جانب همایون کاتوزیان چقدر درست و مناسب یا به عبارت بهتر چقدر کامل است مستلزم بررسی چندگانه در این زمینه است. گام اول شناخت مفاهیم و نظریۀ به کار گرفته‌شده از جانب ایشان است و گام دوم نقد دیدگاه اوست. در این پژوهش از منظر روشی و محتوایی به نقد دیدگاه کاتوزیان پرداخته می‌شود.

## بنابراین ضروری است که در این کتاب ابتدا به صورت کلی به این موضوعبپردازیم که چه انتقاداتی از لحاظ روشی و محتوایی بر آرا و نظرهای محمدعلی (همایون) کاتوزیان در حوزه‌‌هایی چون استبداد ایرانی، تضاد دولت ـ ملت و جامعۀ کوتاه‌مدت/جامعۀ کلنگی وارد شده است؟ همچنین برای پاسخ به این پرسش اصلی پرسش‌‌های دیگری را باید پی ‌‌گرفت که به لحاظ استراتژی پژوهشیِ کار به دست‌‌مایه‌‌ای برای تبیین و شرح چگونگی نقد تبدیل می‌‌شوند. این پرسش‌‌ها عبارت‌‌اند از:

## 1. دیدگاه کاتوزیان در مورد استبداد ایرانی چیست؟

## 2. دیدگاه کاتوزیان در مورد تضاد دولت ـ ملت چیست؟

## 3. دیدگاه کاتوزیان در مورد جامعۀ کوتاه‌مدت/جامعۀ کلنگی تاریخ ایران چیست؟

## ۴. توضیح نظریه‌های نقد، ساختمندی، جامعه‌شناسی تاریخی، هویت ایرانی و شرق‌شناسی چیست؟

## چنان‌که در مقدمه آمد، مفاهیم و نظریه دو ابزار اساسی برای فهم «تغییر» در تاریخ و جامعه هستند. در ادامه با مفاهیمی سروکار خواهیم داشت که لازم است به طور مشخص منظور از شیوهٔ کاربرد آن‌‌ها بیان شود؛ از جملهٔ این مفاهیم «تاریخ سیاسی» است. تاریخ سیاسی روایت و تحلیل حوادث، ایده‌ها، جنبش‌ها و رهبران سیاسی در حوزهٔ قدرت سیاسی با در نظر داشتن امر سیاسی است. این مفهوم از دیگر حوزه‌های تاریخ مثل «تاریخ دیپلماسی»، «تاریخ اجتماعی»، «تاریخ اقتصادی» و «تاریخ نظامی» به‌علاوه تاریخ قانون اساسی و تاریخ عمومی متفاوت است، اما با آن‌ها ارتباط دارد. به طور کلی، تاریخ سیاسی روی حوادث مرتبط با «دولت ـ ملت» و فرایندهای سیاسی با در نظر داشتن رویکردهای نظری سیاست یعنی «امر سیاسی» تمرکز دارد (حسنی‌‌فر، 1397).

## یکی دیگر از مفاهیمی که مجموعهٔ متنوعی از معانی و مدلو‌‌ل‌‌های گوناگون را، چه در زندگی روزمره و چه در نظریۀ تاریخی، تداعی می‌‌کند مفهوم «استبداد» است. مفهوم «استبداد» در میان خانواده‌ای از مفاهیم شامل «جباریت»، «خودکامگی»، «سلطنت مطلقه»، «دیکتاتوری» و «توتالیتاریسم» جای دارد. مفهوم «استبداد» از دیگر اعضای این خانواده با دقت زیاد متمایز شده است. مثلاً مونتسکیو آن را یکی از سه شکل بنیادین حکومت قلمداد کرده است. در قرن هجدهم و خصوصاً در فرانسه بود که واژهٔ «استبداد» در بیشتر موارد برای توصیف یک نظام سلطۀ مطلق در تمایز با سوءاستفادهٔ حاکم از قدرت در موارد استثنایی جایگزین واژهٔ «جباریت» شد (ریشتر در وینر،1391: 82).

## «استبداد» بخشی از اصطلاح‌شناسی سیاست تطبیقی و جامعه‌شناسی تاریخی یا دست‌کم تاریخ این دو رشته است. تعداد انگشت‌شماری از نویسندگان، نظیر هابز، باری مثبت به این واژه داده‌اند؛ برخی دیگر، نظیر ژان بُدَن و گروتیوس و پوفندورف، به استبداد همچون رابطه‌ای مشروع بر مبنای سنت و سابقه‌ای حقوقی پرداخته‌اند که در قیدوبند ردش نبوده‌‌اند (همان، 83).

## از مفاهیم دیگر مورداستفاده در این پژوهش مفهوم «قدرت سیاسی» است. قدرت سیاسی یکی از انواع خاص قدرت‌‌های اجتماعی است و تعریف آن این است: «نوعی قدرت اجتماعی که مخصوص آن مقوله از گروه‌های قدرت است که به نام جوامع مدنی شهرت دارند.» (لاپی‌یر، 137۵: ۴۵) و انواع جوامع مدنی جامعۀ قبیله‌ای ـ جامعۀ مبتنی بر شهر(مثل یونان باستان)، جامعۀ سلطنتی، جامعۀ ارباب ـ رعیتی، جامعۀ مبتنی بر ملت هستند. منظور از قدرت سیاسی در ایران پرداختن به رفتار و عملکرد حکومت، حاکم، کارگزاران حکومتی از یک‌طرف و تعاملات افراد و گروه‌های جامعه از قبیل رفتار قبایل و ایلات در گسترهٔ ایران و نهادهای عمومی جامعه در قبال سیاست از طرف دیگر است.

## در همسایگی مفاهیمی که به آن‌‌ها اشاره شد، مفهوم «امر سیاسی » قرار دارد. در یک تعبیر، امر سیاسی به هر چیزی که به مدیریت اجتماعی مردم، سازمان‌دهی شرایط بیرونی و جمعی مردم مثل برقراری انضباط، تسهیل و هماهنگی دادوستدهای گوناگون و بی‌شمار و روابط ممکن افراد، ٔ مراقبت از خیر مشترک واحد سیاسی، مراقبت از خیر و دارایی ویژۀ هر عضو جامعۀ مرتبط با مقوله‌هایی چون زور و اجبار و حتی نیرنگ ، تعریف شده است (فروند، 138۴: 222ـ21۴).

## مرور و بررسی آرای کاتوزیان در باب تاریخ ایران در این کتاب بیشتر با رویکردی انتقادی و در واقع به منظور نقد آن‌‌هاست. بنابراین لازم است مراد از رویکرد انتقادی به این موضوع و به طور مشخص واژهٔ «نقد» معلوم شود. «نقد» نوعی بازشناسی خوبی از بدی، نیکی از زشتی، صحیح از سقیم و سره از ناسره یا «بهین چیزی گزیدن» است. معنی عیب‌جویی نیز از لوازم «به‌گزینی» است و در فارسی و عربی بر وجه مجاز دربارهٔ شناخت محاسن و معایب به ‌کار می‌رود. «رأی زدن و داوری کردن دربارهٔ امور و شناخت نیک و بد و سره و ناسرهٔ آن‌ها مستلزم معرفت درست و دقیق آن امور است.»(زرین‌کوب، 1378: ۶) نقد علمی مستقل نیست. انتقاد وصف و تحلیل است. توصیف آنچه هست با در نظر گرفتن پیش‌فرض‌‌ها، مبانی و نتایج. برخی آن را فن یا صناعتی که بر روش‌های علمی متکی است تعبیر کرده‌اند (زرین‌کوب، 1378: 23).

## از میان موضوعات مختلفی که کنشگران فرهنگی در حوزهٔ علوم انسانی و اجتماعی می‌‌توانند مطالعه کنند، اهمیت موضوع و مسئلهٔ موردبررسی در این کتاب از آن جهت ضروری است که شناخت قدرت سیاسی ایران باعث فهم رفتارهای تاریخی آن و در نتیجه شناخت قدرت سیاسی امروز می‌شود. همچنین در ارتباط با دیدگاه و آرای کاتوزیان بررسی انتقادی جامعی صورت نگرفته است تا از سلطهٔ دیدگاه ایشان بر محیط‌های علمی و و عمومی یک فراروی و عبور درست صورت بگیرد.

## هدف این حقیق در وهلهٔ اول پرداختن به مفاهیم و آرای کاتوزیان در مورد قدرت سیاسی است؛ در مرحلهٔ بعد ارائهٔ انتقاداتی است که بر آرا و نظرهای کاتوزیان وارد شده است؛ سپس بررسی و ارزیابی این انتقادات و در نهایت نقد دیدگاه کاتوزیان از جانب نگارندهٔ این اثر.

## نوع بررسی را به لحاظ روش‌‌شناسی می‌‌توان جزء تحقیقات بنیادی دانست و روش گردآوری و تحلیل اطلاعات توصیفی ـ تحلیلی است و تکنیک بررسی داده‌ها و اطلاعات بهره‌گیری از روش و نظریۀ نقد است. فن و ابزار گردآوری داده‌‌های موردنیاز هم کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری است.

## قلمروِ پژوهشی تحقیق رفتارهای حوزۀ قدرت سیاسی است که در عملکرد حکومت و در تعاملات با حوزۀ عمومی و جامعه در طول تاریخ ایران بوده است.

## این پژوهش در هفت فصل طراحی و تنظیم شده است. با وجود اینکه جا داشت به مفاهیم دیگری در دیدگاه و دستگاه نظری کاتوزیان پرداخته شود، این تحقیق صرفاً به دیدگاه اصلی او، که نظریۀ استبداد ایرانی و دو مفهوم ـ نظریۀ «تضاد دولت و ملت» و «جامعۀ کوتاه‌مدت» یا «جامعۀ کلنگی» است، به همراه رویکرد حاکم بر دیدگاه او، که شرق‌شناسی است، به عنوان مباحث اصلی معطوف به قدرت سیاسی در ایران در7 فصل و یک نتیجه‌گیری آمده است؛ فصل اول کلیات و مقدمات بحث است؛در فصل دوم مباحث نظری آمده است؛ در فصل سوم به نقدهای واردشده و پیشینهٔ این موضوع پرداخته می‌‌شود؛ در فصل چهارم به بحث «نظریۀ استبداد ایرانی» و نقدهایی که می‌توان بر آن وارد کرد پرداخته می‌شود؛ در فصل پنجم به دیدگاه «تضاد» و نقدهای وارد بر آن پرداخته می‌شود؛ در فصل ششم به دیدگاه «جامعۀ کوتاه‌مدت» و نقدهای وارد بر آن و در فصل هفتم نگاه «شرق‌شناسی» رویکرد کاتوزیان ارزیابی می‌‌شود و در نهایت نتیجه‌گیری آمده است.

1. . political power [↑](#footnote-ref-2)
2. . Phenomenon [↑](#footnote-ref-3)
3. .Transformation [↑](#footnote-ref-4)
4. . Evolutionary [↑](#footnote-ref-5)
5. . Change [↑](#footnote-ref-6)
6. .Concept [↑](#footnote-ref-7)
7. . Theory [↑](#footnote-ref-8)
8. . Data [↑](#footnote-ref-9)
9. . Information [↑](#footnote-ref-10)
10. . البته رویکرد پرداختن به قدرت سیاسی از منظر مردم و جامعه جدید است که خود منشأ شکل‌گیری گرایش‌های نویی در علوم اجتماعی، علوم تاریخی و علوم سیاسی شده است. [↑](#endnote-ref-2)
11. .Interaction [↑](#footnote-ref-11)
12. . Conflict [↑](#footnote-ref-12)
13. . Passivity [↑](#footnote-ref-13)
14. .Legitimacy [↑](#footnote-ref-14)
15. . منظور از عام یا عمومی‌سازی در محدودهٔ زمان و مکان خاص است و از این محدوده فراتر نمی‌رود؛ یعنی ادعایی مبنی‌بر قواعد عام و عمومی همه‌جایی و همه‌زمانی ندارد. بحث قاعده یا قانون به مبحث عام و عمومی‌سازی ارتباط پیدا می‌کند که در جای خود محل گفت‌وگو و مناقشات فراوانی شده است. [↑](#endnote-ref-3)
16. .subject [↑](#footnote-ref-15)
17. . Diachrony [↑](#footnote-ref-16)
18. . synchrony [↑](#footnote-ref-17)
19. . مطالعهٔ منابع دوره‌های مختلف درزمانی و مطالعهٔ منابع مربوط به یک دورهٔ تاریخی هم‌زمانی نام دارد (بهشتی، 1387: 62 نقل‌شده در حسنی‌‌فر، 1397: 106). [↑](#endnote-ref-4)
20. .Karl August Wittfogel [↑](#footnote-ref-18)
21. . محمدعلی کاتوزیان متولد 26 آبان 1321 (تهران) است. در ایران او را با نام همایون کاتوزیان و در خارج از ایران با نام «هما کاتوزیان» می‌شناسند. همایون کاتوزیان اقتصاددان، تاریخ‌نگار، پژوهشگر علوم سیاسی و منتقد ادبی است و زمینۀ تحقیق موردعلاقه‌اش مسائل مربوط به ایران است. او پس از پایان تحصیل در دبیرستان البرز و گذراندن یک سال در دانشگاه تهران، برای خواندن رشتۀ اقتصاد به انگلستان رفت. کارشناسی‌اش را در سال 1967 از دانشگاه بیرمنگام (University Of Birmingham) اخذ کرد. در سال 1968 کارشناسی‌ارشدش را از دانشگاه لندن و در سال 1984 دکتری‌اش را از دانشگاه کنت (University Of Kent) در کانتربری (Canterbury) گرفت. او در سال‌های‌ 1968 تا 1986 در انگلستان، ایران، کانادا و ایالات متحده اقتصاد تدریس می‌کرده و اکنون در بخش مطالعات شرقی دانشگاه آکسفورد مشغول به کار است و سردبیری نشریهٔ انگلیسی‌زبان *مطالعات ایرانی* را بر عهده دارد. دکتر همایون کاتوزیان در زمینه‌های اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ و ادبیات ایران آثار و پژوهش‌هایی ارائه کرده است (کاتوزيان، 1396: 86 ـ 87).

    آثار کاتوزیان به شرح زیر است:

    ● *تجارت بین‌الملل* (نشر دانشگاه تهران، ۱۳۵۳)

    ● *آموزش عالی و دانشگاه‌های امروز* (انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۵۳)

    ● *آدام اسمیت و ثروت ملل* (انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸)

    ● *خاطرات سیاسی* [*خلیل ملکی*](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AE%D9%84%DB%8C%D9%84_%D9%85%D9%84%DA%A9%DB%8C) (انتشارات رواق، ۱۳۶۰)

    ● *مقالاتی دربارهٔ خاطرات خلیل ملکی* (شرکت انتشار، ۱۳۷۰)

    ● *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسلهٔ پهلوی*، ترجمهٔ محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی (نشر مرکز، ۱۳۷۲)

    ● *استبداد، دموکراسی و نهضت ملی* (نشر مرکز، ۱۳۷۲)

    ● [*صادق هدایت*](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%82_%D9%87%D8%AF%D8%A7%DB%8C%D8%AA) *و مرگ نویسنده*، ترجمهٔ فیروزه مهاجر (نشر مرکز، ۱۳۷۲)

    ● *صادق هدایت، زندگی و افسانهٔ یک نویسندهٔ ایرانی* ([طرح نو](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B7%D8%B1%D8%AD_%D9%86%D9%88)، ۱۳۷۲)

    ● *مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران*، ترجمهٔ فرزانه طاهری (نشر مرکز، ۱۳۷۳)

    ● *نقدی بر* [*بوف کور*](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D9%88%D9%81_%DA%A9%D9%88%D8%B1) *هدایت* (نشر مرکز، ۱۳۷۳)

    ● *ایدئولوژی و روش در اقتصاد* (نشر مرکز، ۱۳۷۴)

    ● *چهارده مقاله در ادبیات، اجتماع، فلسفه و اقتصاد* (نشر مرکز، ۱۳۷۴)

    ● *برخورد عقاید و آرای ملکی* (ویرایش، با همکاری: امیر پیشداد) (نشر مرکز، ۱۳۷۴)

    ● *نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران* (نشر مرکز، ۱۳۷۷)

    ● *دولت و جامعه در ایران، سقوط قاجار و استقرار پهلوی* (نشر مرکز، ۱۳۷۹)

    ● *هشت مقاله در تاریخ و ادب معاصر* (نشر مرکز، ۱۳۸۰)

    ● *تضاد دولت و ملت: نظریهٔ تاریخ و سیاست در ایران*، ترجمهٔ مرتضی طیب (نشر نی، ۱۳۸۱)

    ● *نامه‌های* [*خلیل ملکی*](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AE%D9%84%DB%8C%D9%84_%D9%85%D9%84%DA%A9%DB%8C) (نشر مرکز، ۱۳۸۲)

    ● *جمالزاده و ادبیات او* (نشر شهاب، ۱۳۸۲)

    ● *نه مقاله دربارهٔ جامعه‌شناسی تاریخی ایران: نفت و توسعهٔ اقتصادی*، ترجمهٔ علیرضا طیب

    ● *سعدی، شاعر عشق و زندگی* (نشر مرکز، ۱۳۸۵)

    ● *گفت‌وگو دربارهٔ عقلانیت و نوگرایی* (نشر پایان، ۱۳۸۸) گفت‌وگوهایی با همایون کاتوزیان، مصطفی ملکیان، محمدعلی اسلامی ندوشن، پرویز رجبی، سیدحسین نصر و جان اسپوزیتو

    ● *نوسازی ناتمام* (نشر پایان، ۱۳۹۳) گفت‌وگوهایی با همایون کاتوزیان (نشر پایان، 1392)

    ● *جستارهایی دربارهٔ تئوری توطئه در ایران*، ترجمهٔ [محمدابراهیم فتاحی](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF_%D8%A7%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%87%DB%8C%D9%85_%D9%81%D8%AA%D8%A7%D8%AD%DB%8C&action=edit&redlink=1) (نشر نی، 1382)

    ● [*ایرانیان*](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%A7%D9%86_(%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8))، ترجمهٔ دکتر حسین شهیدی (نشر مرکز، ۱۳۹۱)

    ● *ایران، جامعهٔ کوتاه‌مدت و ۳ مقالهٔ دیگر*، ترجمهٔ عبدالله کوثری (نشر نی، ۱۳۹۰)

    ● *فرهنگ، تاریخ، سیاست* (مقالات و گفت‌وگوها) به کوشش محمد صادقی (شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۶)

    ● *The Persians: Ancient, Mediaeval and Modern Iran,* Yale University Press (Nov. 30 2010)

    ● *Sadeq Hedayat, His Work and His Wondrous World*, ed., London and New York: Routledge, 2008.

    ● *Iran in the 21st Century*, co-ed (with Hossein Shahidi), London and New York: Routledge, 2008.

    ● *Iranian History and Politics, the Dialectic of State and Society*, London and New York: Routledge, paperback edition, 2007 (original edition, 2003).

    ● *Sa‘di, the Poet of Life, Love and Compassion*, Oxford: Oneworld Publishers, 2006.

    ● *State and Society in Iran: The Eclipse of the Qajars and the Rise of the Pahlavis*, London and New York: I. B. Tauris, paperback edition, 2006 (original edition, 2000).

    ● *Sadeq Hedayat: The Life and Legend of an Iranian Writer*, paperback edition, London and New York: I. B. Tauris, 2002; original edition, 1991.

    ● *Musaddiq and the Struggle for Power in Iran*, London and New York: I. B. Tauris, second, paperback, edition, 1999; first edition, 1990.

    ● *Musaddiq's Memoirs*, London: Jebhe, 1988 (the English translation of the memoirs translated (with S. H. Amin) and edited and annotated, together with an 81-page introduction by Homa Katouzian).

    ● *The Political Economy of Modern Iran* (cloth and paper), London and New York: Macmillan and New York University Press, 1981.

    ● *Ideology and Method in Economics* (cloth and paper), London and New York: Macmillan and New York University Press, 1980. [↑](#endnote-ref-5)